

پیربوته مثال

(گزیده زیانزدهای تبری)

پژوهش و نگارش
حجت مقیمی مقدم



مرکز

۱۳۹۸



سرشناسه	مقیمی مقدم، حجت، ۱۳۴۶-
عنوان و نام پدیدآور	پیربوته مثال (گزیده زیانزدهای تبری) / پژوهش و نگارش: تیمی مقدم.
مشخصات نشر	تهران: میرماه، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۱۲۰ ص. ۱۴/۵×۲۱/۵، س.م.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۳۳۳-۳۷۷-۲
وضعیت فهرست نویسی: فیبا	
موضوع	ضرب المثل های مازندرانی
موضوع	Proverbs, Mazandarani
موضوع	ضرب المثل های مازندرانی -- ترجمه شده به فارسی
موضوع	Proverbs, Mazandarani -- Translations into Persian
رده بندی کنگره	PIR ۳۲۶۹:
رده بندی دیویی	۳۹۸/۹: فا
شماره کتابشناسی ملی:	۵۹۵۶۱۳۶

پیرایه مثال
(گزیده زبانزدهای بری)

ناشر: انتشارات میرماه
پژوهش و نگارش: حجت مقیری
طراحی جلد و متن: آتلیه گرافیک میرما
لیتوگرافی و چاپ: نقش جوهر
صحافی: افشین
نوبت و سال انتشار: نخست / ۱۳۹۸
شمارگان: ۵۰۰ نسخه
قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۳-۳۷۷-۲

تمام حقوق قانونی اثر برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

تهران، نیاوران (شهید باهنر)، خیابان مژده (شهید مقدسی)، پلاک ۶۴



کدپستی: ۱۹۷۱۸۱۵۱۶۶

طبقه ۵، واحد ۱۳

فاکس: ۲۲۷۲۲۹۰۲

تلفن: ۲۲۷۲۲۹۰۱-۲۲۷۵۹۲۰۳

www.mirmah.com

info@mirmah.com

به نام خدا

«پشین دمالین پله»

هر کس یاد نثیته خله»

پشینان پل آیندگانند، هر کس عبرت نگرفت نادان است»

زبانزد یا ضرب المثل سخن سر راه مهوری است که به داستانی پندآمیز و به گفتار و روایتی نکته آموز، تلمیح و اشاره دار و به شیوه‌ای توسیع و شتر را می‌گیرد، ضرب المثل ترکیبی عربی است. ضرب به معنای زدن و بریدن و واژه‌ی مَثَل به معنی مثال زدن است. شکل پارسی کلمه مَثَل، مَثَل است. مجموعه‌ی پیش رو، برگزیده صد زبانزد مشهور تبری است که با اسم و عنوان محلی «مَتله مَتله» یا «بر بوته مثال» در میان تبری زبانان مشهور است. بیشتر زبانزدهای این مجموعه از گذشته‌های دور به میراث رسیده و سینه به سینه به طور شفاهی در ذهن و زبان مردم دست و پاهای تازه و بازار جاری و ساری بود نگارنده است. به سبب عشق و علاقه به زبان مادری و به سبب زادبومی و به منظور حفظ این میراث گران بها از خطر نابودی، بر آن شد تا آنها را به وضبط نماید.

روش جمع آوری اطلاعات بیشتر میدانی بوده است، لهجه و گویش نوشتار زبانزدها به گویش و لهجه‌ی میانه‌ی مازندران چمستان نور است؛ هر چند لهجه و گویش شهر زادگاه نگارنده با روستاهایش نیز متفاوت است و این گونه‌گونی در سطح استان مازندران

و تبرستان گسترده‌تر و تنوع گویش و لهجه‌ی مردم همچو آب و هوای مازندران بر کسی پوشیده و پنهان نیست و تعمیم این اصل در مورد گویش و لهجه شاید سخنی ناروان باشد. به هر روی اگر زبانزدی در مناطق دیگر مازندان به گونه دیگری رایج باشد و یا حتی شخصیت‌های داستانی زبانزد، متفاوت باشند، ولی همه در مفهوم کلی و کنایی که پیام نهایی زبانزد است یکی و یگانه هستند.

نمونه‌ی این تفاوت در زبانزدهای زیر مشهود است:

گو: مسیر ندینه صحرای خی آمه گو
گاو که رنم دند خوک صحرا گاو ما

۲. جیری که مرغنه نکذ صد ای نلاج آمه جیری
مرغی که تخم نمی‌گذارد مرض می‌کنم مرغ صحرا مرغ ماست.

بیشتر زبانزدهای این مجموعه قبلاً در ضمیمه‌ی مجله‌ی «آب و گاه» حقیقی به اشتراک گذاشته شد تا مورد نقد و بررسی اساتید و ادیبان حاضرین قرار گیرد و از عیب و نقص کار کاسته شود و به نتیجه‌ی واحد برسد.

برای هر زبانزد معنی واژه به واژه، مفهوم کنایی، تأویل و تفسیر و نمونه‌هایی از زبانزدهای تبری و پارسی در نظر گرفته شده است و برای بررسی ریشه‌ی تاریخی و داستانی ذکر شد و گزین گفته‌هایی از اشعار و سخنان بزرگان ادب پارسی برای تأیید مدعا آورده شد تا مفهوم زبانزدها بهتر تفهیم شود؛ و گاه برای برخی داستانی نگاشته و شعری تبری به قلم نگارنده سروده شده است.

به هر روی کار خالی از اشکال و ایراد نیست؛ پیشاپیش از خوانندگان محترم به خاطر اشکالات احتمالی پوزش می‌طلبم که گفته‌اند: «همه چیز را همگان دانند»

امیدوارم خوانندگان عزیز بنده‌ی کمترین را از نقد و نظر کارساز خویش بهره‌مند گردانند.

سپاس ویژه از دوستان ادیب و فرهیخته‌ام استاد جلیل قیصری عزیز، استاد قوام‌الدین بینایی گرامی، دکتر معین دریایی که همیشه مشوق و راهنمای بنده بودند، سپاس ویژه از هم‌ولایتی فرهیخته و فرهنگ‌دوستم جناب دکتر یزدی‌نژاد ارجمند و انتشارات سیرماه که همواره مشوق بنده بودند و هزینه مادی چاپ این اثر را به طور کامل عهده‌دار شدند و در این از همه کسانی که یار و یاور بنده در این راه بودند و ذکر نام گرامی‌شان در این مجال دشوار است، گنجد صمیمانه سپاسگزارم.

حجت‌المقیمی مقدم

شهرستان نور - چمستان

۱۶ تیرماه ۱۵۳۱ هجری ۱۴ شهریور ۱۳۹۸ خورشیدی

فهرست

- ۱۳..... آدمِ نَفْهَم هِشت ورزای تو دارنه
- ۱۴..... آش تا کُتا، نون تا صُبرا، باغ تا فردا
- ۱۵..... آشپز که بیست و چاره، آش آش بیه، آه
- ۱۷..... آیشرو هزار همیشه پنیر خیک ناره
- ۱۹..... آشکنی بیشتواش (ویشته واش)، یقراهِ خلال خا نیه
- ۲۰..... آغوز گیر سَر نیشکن شه تورر، بَیسه جِد نوره و ورزور
- ۲۱..... اگر ته بینج گر خبی هسی، مه کلاته کیله
- ۲۲..... اگر تو کوچ اغوزی، من ول تک چاقومه
- ۲۴..... آغه لَرگه دار هم واشیم، آتا کل اغوز مه گش دارنه ؟!
- ۲۶..... اما بوردمه عروس وین، عروس بورده کُنس چین
- ۲۷..... آما ربثوش بَخر، آما ربثکوش نَخر
- ۲۸..... آما کِبِه سَر خِسمه، کِب آمه سَر ناخِسنه
- ۲۹..... امام حسین اگر همه ی سه بدها کرده وو، طالقون درویش سه هم بدها کرده ؟!
- ۳۱..... آمه چش ر کور کلاج بَکنیه
- ۳۲..... آمه سه کلا گردیگ دینه
- ۳۴..... آنجیل ر ناشتا بَخر، آنار ر سَر سیری، پشمالی ر موقعی بَخر که خانی بَمیری
- ۳۵..... اوند ا که تَنه فته، مه کال چَرمه بته
- ۳۶..... آهله دُئره، اما انجیل شه ماقع دارنه
- ۳۷..... این او، این آستور ناردنه
- ۳۸..... بابل گدا امل و شه ضرر دارنه

- ۳۹..... باروَن بئید چی ها کرده که، تله تا بئید هاکنه؟
- ۴۰..... بامشی دو، تا بوم لو.....
- ۴۱..... بزنن، بزیی (بزنن، بزیی ها کردن)
- ۴۲..... بزرغم جانِه، قصاب رغم پی
- ۴۳..... بی طالع هر وخت بوره مارون، یا ورف اینه یا وارون
- ۴۴..... پنج شتی ورمرز، او خرنه
- ۴۵..... بی بزا مای دو ر بخر، نئی نزا مای ماس ر نخر
- ۴۶..... پشین دمالین پله، هر که یاد نئیته خله
- ۴۷..... پین به سال الله، زمسن به شو
- ۴۸..... تاج شت رادار الله حسینه، بعد از چاشت تبل زن یزید
- ۴۹..... تیک، نوی بشت الله
- ۵۰..... تین کیا و من نیل خله خیر نی ورنه چرا
- ۵۱..... تو هلا ونه جا، کشیف افتاب ندائیه
- ۵۲..... چاشت خوارمزل شو نوو
- ۵۳..... حرف تر کره نارنه، حرف حساب خراب
- ۵۴..... حلاج وچه هوا زن نوونه
- ۵۵..... خدا وگ ردتن ندا؛ کورکوری ر چش
- ۵۶..... خرر بورده گلباغ، بوته جان دل گنگل
- ۵۷..... خلنگ (خالنگ) خبی هسه ولی حیف که شاخله چله نارنه
- ۵۸..... خمیر که شل بوه، لاک هم او پس دئنه
- ۶۰..... خیال کئنه ونه چش پشته پنبه مه
- ۶۱..... دار که بار دارنه، ویشتر کفیل خرنه
- ۶۲..... دریو شه هر چی او دوو، سگ شه زوون جا او خرنه
- ۶۳..... دو آش وختی بوته قیل، ونه بوئی جان دل
- ۶۴..... ریسن هر چی بلن وو وینه تاقله (طاقله) دله در بوره
- ۶۵..... زنا ونه لال وو، مردی ونه غول
- ۶۶..... زوون که بوه چکوشی، آلا ور بکوشی
- ۶۸..... سر جراین گنگ، دم در این گنگ

- ۶۹..... سِرکه تا وقتی ترشه که اُوی رنگ رِ نَوینه
- ۷۰..... سگ، بامشی رِ دَمال کته، ولی وه خنه دله نَشونه
- ۷۱..... سَنگ شه سَنگه رَج دارنه، گِسن شه دِیما
- ۷۲..... سَنگه سَنگ کَش نِزنی، گُردپی رِسته
- ۷۴..... سو که خنه رِ واجیه، مسجد رِ پِته دی کته
- ۷۵..... سیو گو، جالتِ شه شیر دارنه
- ۷۶..... شال دم، سایه نوونه
- ۷۸..... شال شکار نَوینی، شَره جِه شه همرا دار
- ۷۹..... شنه پنج خِی دای، مردِ رَمی رِ شوپی کِمه
- ۸۰..... شو سیو، گو سیو
- ۸۲..... شه میسه همیشه بَکشی دار؟
- ۸۴..... صد تا اِتی تَلی وو، پیره ورگه گَلی وو
- ۸۵..... کار روینه دَس ها کته، چش بَوینه، خا هار ه
- ۸۶..... کرچه مای اَلب سو، کِله ماره خِی جفته بر، وای بر عال، هک گسو
- ۸۸..... کِردی هزار مقوم دارنه، به غیر از هی هی و هس هس
- ۸۹..... کَل جیف شونه دَره، مداد، بی سواد جیف
- ۹۰..... کِله پش ماشه پیدا ها کرده
- ۹۲..... گالش ره اگه گو بَوشتن وو، نَره گو رِ دوشنه
- ۹۳..... گدای رو سیوئه، ولی و توره مشته
- ۹۵..... گدتر از کَلا دوشن هم کته
- ۹۶..... گرماس پلا حاصل هادا نوونه، مهمون بخارد آدم گدا نوونه
- ۹۸..... گناه ره گو ها کرده و گوگ پچینه!
- ۹۹..... گو، شاه ماله، گِسن گنج فروشی، ورزگری خواره، به شرطی که سبز نروشی
- ۱۰۱..... گو که شیر ندننه، صحراي خِی هم آمه گو
- ۱۰۲..... گوگزا پرنه، پشتی چَنگم پرنه
- ۱۰۴..... لار چَرادارنه، خون پ کته
- ۱۰۵..... مار دِل به وَجه؛ وَجه ی دِل به ورگ!
- ۱۰۶..... ماتی دی دو گیر بَوه، تِرش دوی اسیر بَوه

- ۱۰۷..... مال جم ها کردن گردش روزگاره، مال باد هادائن انا ذقه ی کاره
- ۱۰۸..... ماهر، شه کول ر بلاره، شه خو ر نلارنه
- ۱۰۹..... نا آیه تل واش که ته جا بز یار توون، نا آنه خر که ته رسوار
- ۱۱۰..... نر م گئیم آسیو خراب گر
- ۱۱۱..... نو کلای اوتا هف روز بچائه
- ۱۱۳..... وجه ربوتنه: ته انگیر انگیر چش دا! بوتنه: ننه منه انگیر وئنه!
- ۱۱۴..... ررگ کینه ربوردنه لار؛ بوتنه بوی مار بهتره یا چرای لار بوتنه: بوی مار
- ۱۱۵..... وشته که انا توئه وینه و نه سر هادی او ی پن
- ۱۱۶..... وش ر خیرش، خور بالش
- ۱۱۷..... و نه تمه ر سیر اسم، ممجی خانیمه
- ۱۱۸..... و نه کلای تک زیم ایشته
- ۱۱۹..... یا ساس بخیر ایا بو
- ۱۲۰..... یواش یواش غشو سم دور وونه کرد وچه وزیر ایرون وونه